

بیانیه دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک در رابطه با شفاف سازی اعتراضات اخیر دانشجویی در این دانشگاه

دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک

دو شنبه 12 نوامبر 2007، بوسيله ی دیاکو

به نام انسان ، عدالت و آزادی

به دنبال برگزاری تجمع و تریبون آزاد دانشجویی در اعتراض به صدور احکام سنگین علیه سه دانشجوی پلی تکنیک در روز دوشنبه 30 مهر ماه در این دانشگاه، روابط عمومی انجمن اسلامی امیر کبیر در اطلاعیه به انتقاد از دانشجویان چپ و مشخصاً "دانشجویان سوسیالیست" پرداخته است. بر این اساس و در راستای اعلام مواضع شفاف خود لازم می دانیم به روشن ساختن پاره ای از مسائل جاری در دانشگاه پلی تکنیک بپردازیم.

متأسفانه یا خوشبختانه این اولین باری نیست که انجمن اسلامی دانشجویان پلی تکنیک برای فرار از نقدهای اساسی ای که به این مجموعه ی غیر دموکراتیک وارد می شود سریعاً در پشت « دو قطبی خود ساخته ی انجمن اسلامی _ بسیج » ، پنهان می شود. جای بسی شگفتی است که مجموعه ای که قدمت خود را نزدیک به 40 سال می داند هنوز به مرحله ای از بلوغ سیاسی نرسیده است که به جای انگ زدن و اتهام چسباندن ، به نقدهای سازنده و منطقی منتقدان خود توجه کند و بدانه پاسخ دهد و در صورت نداشتن پاسخی در برابر نقدها به اصلاح تفکرات و روشهای خود بپردازد. متأسفیم که دوستان هم دانشگاهیمان در بند طبقه ی حاکم بر ایران ، اسیر منافع و جهتهای حاکمان هستند و متأسفیم که مسئله ی دربند بودن این عزیزان دستاویزی برای فرصت طلبان شده است تا از این شرایط به بهره برداری سیاسی و پیشبرد اهداف گروهی خود بپردازند. در شرایطی که مهره های کلیدی و تدریسی انجمن اسلامی دانشجویان پلی تکنیک در چنگال رژیم گرفتار هستند ، ترکیبی از نا آگاهی مهره های جوانتر این مجموعه و سیاست بازی پیردانشجویان آن در حال دامن زدن به توهم جدید و خطرناک دیگری است . دو قطبی خیالی جدیدی که در آن انجمن اسلامی امیر کبیر در مقابل کل رژیم ایران قرار دارد. رفتار مهره های بازمانده از این مجموعه ی رو به زوال با دیگر گروه های دانشجویی دقیقاً مشابه توسل حاکمان کشورهای جهان سوم به حربه ی اعلام حالت فوق العاده برای برخورد آسانتر با مخالفان و منتقدان سیاسی و اجتماعی خود است. بازماندگان تشکیلات انجمن اسلامی در یک موضع گیری غیر سیاسی و غیر حرفه ای توقع دارند تنها و تنها به این دلیل که اعضای از این مجموعه در زندان به سر می برند ، سایر گروه های دانشجویی آنان را بر حق شمارند و از انتقاد نسبت به عملکرد و تفکرات آنان خودداری کنند. این تفکر نادرستی است. بازماندگان مجموعه ی انجمن اسلامی دانشجویان می توانند توقع داشته باشند که همگان برای رهانیدن دانشجویان از بند، تلاش کنند و همه ی گروه های دانشجویی در بر ملا ساختن پروژه ی مدیریت دانشگاه برای ساختن « انجمن اسلامی دروغین» به آنان کمک کنند اما چشم بستن بر اشتباهات و خطاهای این مجموعه مسئله ای نیست که پشتوانه ای منطقی داشته باشد.

در بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان موجی از اتهامات و انگها روانه ی دانشجویان چپ و علی الخصوص دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک شده است که بیش از آنکه انعکاس مواضع سیاسی یک گروه دانشجویی باشد نشانگر اوج خشم ، نفرت و عصبانیت یک گروه سیاسی نسبت به حرکت رو به جلوی تفکرات منتقد و مخالف خود است. این بیانیه در حقیقت انعکاسی از روحیه اقتدارطلبی و منفعت طلبی کور انجمنهای اسلامی و دفتر تحکیم وحدت است.

از آنجایی که مدتهاست بزرگان فکری انجمنهای اسلامی _ مانند آقایان سروش ، یزدی و کروی _ نگران « هویت اسلامی » مجموعه ی انجمنهای اسلامی هستند و مکررا انجمنهای اسلامی را به مقابله با تفکرات لائیک ، سکولار و غیر مذهبی توصیه می کنند و از آنجایی که دیگر هیچ تشکل دانشجویی مستقلی نمی تواند رسماً (از نظر مدیریت دانشگاه و حاکمیت) به فعالیت در دانشگاه بپردازد ، بهتر است اعضای محترم انجمن اسلامی دانشجویان رویای یک تازی دوباره در دانشگاه به مدد داشتن « مجوز انحصاری فعالیت رسمی در دانشگاه » را به فراموشی بسپارند.

شرایط عینی دانشگاه و جامعه خود عاملی اجباری برای تکامل مبارزات دانشجویی و تشکلهای دانشجویی از غالبهای کهنه و پوسیده گذشته به غالبهای مدرنتر و مطابق با شرایط جدید است که از نظر ما درک این شرایط عینی، کلید پیروزی و موفقیت جنبشهای دانشجویی بر حربه های جدید حاکمیت است.

به اعضای انجمن اسلامی دانشجویان توصیه می کنیم به جای پناه بردن به دامان شیوخ مختلف و سرگردانی بین اساسنامه ی انجمنهای اسلامی و افکار خود ، برای کمک به همدانشگاهیان دربند به تکیه گاه و عامل اصلی قدرت یک گروه دانشجویی که همانا پشتوانه ی دانشجویی و بدنه ی آن در دانشگاه است روی آورند. دانشگاه پلی تکنیک بیش از هشت هزار دانشجو دارد که علی رغم شرکت همه ی طیفهای دانشجویی در اعتراض دانشجویی روز 30 مهرماه 86 ، نسبت دانشجویان شرکت کننده در این اعتراض دانشجویی چیزی بیش از یک به شانزده کل جمعیت دانشجویی دانشگاه نبود. این در صورتی است که با توجه به صدور احکام سنگین و ناعادلانه برای دانشجویانی که بی گناه در بند شده اند انتظار می رفت تعداد دانشجویان شرکت کننده در این اعتراض « بسیار » بیش از این تعداد باشد. این نشان دهنده ی ضعف تمامی گروه های دانشجویی مدعی در پلی تکنیک نسبت به اتخاذ تاکتیکهای جدید برای مقابله با اوضاع جدید تحمیل شده و شکل گرفته در دانشگاه است.

پاسخ به چند اتهام تکراری انجمن اسلامی دانشجویان

انجمن اسلامی دانشجویان ادعا می کند که : « چندی است علاوه بر تمام عداوت های جریانات اقتدارگرای داخل دانشگاه، انجمنهای اسلامی دانشجویان به طور عام و انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر به طور خاص، از سوی گروه های بعضا خلق الساعه ای که حامل ایدئولوژی چپ هستند « مورد تعرض واقع شده و مشخصاً از نام « دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک » و ترکیب مکرر « جریانات موسوم به چپ » استفاده می کند. همانطور که در بالا اشاره کردیم این سطور بیش از آنکه منعکس کننده ی واقعیت و حتی یک ادعای سیاسی باشد تنها و تنها نمایانگر عمق کینه و عصبانیت یک جریان سیاسی شکست خورده در دانشگاه است که شاهد بسط و گسترش عمقی تفکرات منتقد و مخالف خود است . بازماندگان مجموعه ی انجمن اسلامی پلی تکنیک می توانند تمام معادلات سیاسی دانشگاه را در دستگاه دو قطبی « انجمن اسلامی _ دیگران » به خورد خود دهند همچنانکه خامنه ای از دو قطبی « خودی _ غیر خودی » صحبت می کند و جرح بوش اعلام می دارد که : « هر کسی با ما نیست دشمن ماست ». قرار دادن هر فرد یا گروه غیر انجمنی در کنار نام چکمه پوشان بسیج در دانشگاه بیش از آنکه به انحصار طلبی شما کمکی کند شما را بیشتر از فضای واقعی موجود در دانشگاه دور خواهد کرد. ضمن اینکه شما نمی توانید منکر این مسئله شوید که تندترین نقدها ی ساختاری به مجموعه ی انجمنهای اسلامی و دفتر تحکیم وحدت توسط اعضای از خود شورای مرکزی انجمن اسلامی پلی تکنیک در سال 84 و 85 انجام پذیرفت. این اتهامات که به تعبیر انجمن اسلامی پلی تکنیک « گویی «تصادفا» در بسیاری از موارد همسو و همزمان با جریانات وابسته به حاکمیت بر علیه دانشجویان عضو انجمن های اسلامی آغاز می شود « تصادفا در اوج حملات خرداد 85 علیه انجمن پلی تکنیک توسط نهاد رهبری و بسیج ، منجر به بازداشت « یک سوسیالیست و یک کمونیست » عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی پلی تکنیک شد که علی رغم تمام اتهامات شما _ و تمام اعتقادات آنها که متفاوت با تفکرات انجمنهای اسلامی بود _ پیگیر

رادیکالترین خواسته‌های دانشجویی آن مقطع زمانی بودند و با زندان انفرادی و محرومیت از ادامه ی تحصیل در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بیشترین هزینه را در آن مقطع برای دفاع از تشکلی که عضو آن بودند پرداخت کردند.

در قسمتی دیگر از اتهام پراکنی انجمن اسلامی آورده شده است که : « انجمن اسلامی امیرکبیر اما با صرف نظر از عملکرد غیراخلاقی دانشجویان موسوم به چپ و بدون توجه به تهدیدات ایشان، در راستای سیاست آزادی بیان برای همه تفکرها و برای اعلام یکپارچگی فعالین دانشجویی به نیروهای اقتدراگرا، از میان ۱۰ سخنران برنامه، ۲ سخنران را به دانشجویان چپ اختصاص داد. چرا که اگر بنا به ترس از این تهدیدات فوق الذکر بود، انجمن اسلامی امیرکبیر بایستی بسیار زودتر از این ها و در زمانه ای که گروهک فشار موسوم به انصار حزب الله در برهم زدن تجمعات یکه تازی می کرد، پای خود را از فعالیت سیاسی و مدنی کنار می کشید.» برای ما جای تعجب است که انجمنهای اسلامی و دفتر تحکیم وحدت که تجسم عینی بی اخلاقی و سیاست بازی هستند ، صفتی را که خود شهره ی آن هستند حواله ی دیگر گروه ها دانشجویی می کنند. میزان اخلاقگرایی این دو مجموعه در پروژه ی فرادانشگاهی « استیضاح سعید حبیبی» از سمت دیر تشکیلات دفتر تحکیم وحدت ، رفتار مغرضانه نسبت به دانشجویان زندانی چپ ، تقلب در انتخابات شورای مرکزی انجمن اسلامی پلی تکنیک و حذف دانشجویان با گرایش چپ از لیست نهایی منتخبان و اعلام فهرستی مغایر با واقعیت _ و تامین کننده ی نظرات « لیدرهای غیر دانشجویی جنبش دانشجویی!» _ به خوبی نمایان است. تاسف بارتر آنکه سیاست بازماندگان مجموعه ی انجمن اسلامی نسبت به دانشجویان در بند حتی از سیاست « حلوا خوران » گروه های اصلاح طلب در زیر تابوت فعالان سیاسی تندرو هم رقت بارتر است. آیا به دلیل آنکه دانشجویان در بند در انجمنهای اسلامی هم عضویت دارند فقط کسانی می توانند از آنان حمایت کنند که از انجمن اسلامی پلی تکنیک به عنوان نهاد انحصاری در این زمینه کسب مجوز کنند؟ در صورتی که انجمن اسلامی پلی تکنیک نسبت به دانشجویان در بند و اعضای خود چنین دیدی دارد باید واقعا برای آنان ابراز تاسف کرد.

انجمن سلامی از «تبلیغات گسترده و شفاف» خود و پخش «تراکت های تبلیغاتی به صورت مخفیانه و محدود و بدون هماهنگی با متولی تربیون از سوی دانشجویان سوسیالیست» سخن می گوید. شاید انجمن اسلامی انتظار دارد دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک روبروی چشم ماموران انتظامات و حراست دانشگاه به پخش تراکت بپردازند؟ روز یکشنبه 29 مهر، يك روز قبل از برگزاری تربیون تنها دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک بودند که در بسیاری از دانشکده ها و نیز در صحن دانشگاه اقدام به پخش گسترده تراکت کردند که متاسفانه به دنبال این اقدام برخی اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان سوسیالیست را به زد و خورد و مرافعه در روز تجمع و نیز معرفی به انتظامات دانشگاه تهدید کردند. پخش تراکت از سوی دانشجویان سوسیالیست و دعوت از دانشجویان برای شرکت در تربیون روز دوشنبه به معنای شرکت مستقل در اعتراض به صدور احکام سنگین علیه سه دانشجویی پلی تکنیک صرف نظر از عضویت شان در هر شکل و یا عقاید و تعلقات فکری آنها می باشد. دانشجویان سوسیالیست در اعتراض به سرکوب جنبش دانشجویی از دانشجویان پلی تکنیک و دیگر دانشگاه ها دعوت کردند تا در تربیون آزاد روز دوشنبه شرکت کنند. هیچ تهدیدی «مبنی بر برهم زدن تجمع انجمن اسلامی» از سوی دانشجویان سوسیالیست صورت نگرفته و ما اصولا تجمع روز دوشنبه را تجمع انجمن اسلامی ندانسته این تجمع را اعتراض هماهنگ و یکپارچه دانشجویان پلی تکنیک و دیگر دانشگاه ها علیه حاکمیت ، پیرامون جریان صدور احکام سنگین _ درون و برون دانشگاهی _ علیه فعالین دانشجویی و علی الخصوص سه دانشجوی در بند محکوم شده به حبس طویل المدت می دانیم.

انجمن اسلامی امیرکبیر ، در گزارش تجمع روز دوشنبه در سایت خود ، هیچ اشاره ای به حضور دانشجویان چپ در این تجمع نکرده و نه تنها از انتشار متن بیانیه دانشجویان چپ خودداری می کند که حتی از قرائت بیانیه های این دانشجویان نیز سخنی به میان نیاورده است. انجمن اسلامی امیرکبیر که خود را «معتقد به آزادی بیان و آزادی فعالیت

طیف های مختلف فعالین دانشجویی» معرفی می کند ، چنین اقدامی را چگونه توجیه می کند و چطور بعد از نشان دادن این رفتار دانشجویان چپ را متهم به درج یکسویه ی اخبار تجمع در وبلاگهای خود می کند؟ شاید تمام مسئله در اینجاست که : « همه با هم برابرند اما بعضی ها برابرترند!»

انجمن اسلامی امیرکبیر مثنی چندین ساله خود را «مبتنی بر رعایت اخلاق و دفاع از حقوق تمامی جریانات سیاسی» معرفی می نمایند اما حتی به بدنه ی دانشجویی خود خیانت می کند و در حالی که در انتخابات دوره ی نهم ریاست جمهوری بیانیه تحریم انتخابات را منتشر می کند ، چند نفر از چهره های شناخته شده انجمن اسلامی در اتاق فکر ستاد انتخاباتی " یکی از استوانه های نظام" مشغول کار می شوند ، روزهای قبل از انتخابات با پیام کوتاه تلفن همراه دانشجویان را به رای دادن ترغیب می کنند و در پای صندوقهای رای _ با سرانگشتان آبی رنگ _ عکس یادگاری می اندازند. آیا این همان اخلاق مد نظر انجمنهای اسلامی است؟ اگر تعریف اخلاق سیاسی از نظر شما چنین است ما به هیچ وجه خود را معند به اخلاقی که شما تعریف کننده و نماینده ی آن هستید پایبند نمی دانیم.

انجمن اسلامی دانشجویان پلی تکنیک از یک سو از احترام به تفکرات دانشجویان سخن می گوید و از سوی دیگر اندیشه های دانشجویان چپ را در « چهار چوب تنگ ایدئولوژی » می داند. ما در پاسخ به مانیفست کمونیست استناد می کنیم: « مارکسیسم ایدئولوژی نیست. مارکسیسم علم است. مارکسیسم سلاح طبقه کارگر برای مبارزه است.» اگر انجمن اسلامی به دنبال چهارچوب تنگ می گردند بهتر است به چهارچوب تنگ منفعت طلبی ای که در آن گرفتار است دقت کند. چرا هنگام ملاقات شورای مرکزی انجمن اسلامی امیرکبیر با کروی ، زمانی که شیخ اصلاحات با بیان اینکه " شاید یک مارکسیست این کار را کرده باشد " قصد کرد که برای نجات دانشجویان پناه آورده به دامانش ، دانشجویان مخالف خود را قربانی کند سکوت کردید ؟ آیا سکوت شما را باید عملی اخلاقی در راستای دفاع از حقوق فعالین چپ و به طور مشخص ، دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک ارزیابی شود ؟ آیا در آن هنگام با سکوت خود انجمن اسلامی پلی تکنیک را تصدیق کننده ی حرف کروی نشان ندادید؟ آیا با سکوت خود به درستی ادعای خودتان مبنی بر جعل این نشریات توسط بسیج ، خط بطلان نکشیدید؟

برخلاف آنچه در اطلاعیه انجمن آمده ما « ایجاد تشکل مستقل دانشجویی» را نه راه رهایی بلکه اولین گام در راه مبارزات دانشجویی می دانیم. « چنین تشکلی خاستگاه ، مواضع و اهدافی کاملاً مشخص و روشن دارد و مطالبات اصیل انسانی را پیگیری می کند.» ما هرچند خواستار اتحاد یکپارچه دانشجویان در مبارزه علیه حاکمیت هستیم بار دیگر اعلام می کنیم « تشکلی که در شرایط دشوار مبارزه در راه آزادی و برابری ، از اصول و مواضع خود دست بر می دارد و فرصت طلبانه به بهانه کاستن از فشار حاکمیت بر دانشگاه و برآورده ساختن مطالبات دانشجویان، وابسته به اصلاح طلبان درون حاکمیت و مدافع منافع آنان می شود ، شایستگی رهبری مبارزات رادیکال دانشجویی را ندارد» . از این رو از پیشنهاد انجمن اسلامی امیرکبیر مبنی بر برگزاری مستقل اعتراضات دانشجویی استقبال کرده، از هم اکنون اعلام می داریم به نمایندگی از دانشجویان سوسیالیست کلیه دانشگاه های کشور ، مراسم 16 آذر را مستقلاً _ در دانشگاهی که در نزدیکی زمان مراسم اعلام خواهد شد _ برگزار کرده و از همه دانشجویان آگاه و مبارز _ غیر وابسته و غیر انحصارگرانی _ دعوت می کنیم تا در این اعتراض حضور یابند . مسلماً در مبارزات رادیکال و یکپارچه دانشجویان علیه ارتجاع حاکم ، جریانات و احزاب فرصت طلب هیچ جایگاهی نداشته و نخواهند داشت .

نقد جریانات چپ دانشجویی

در این میان به عنوان بخشی از نیروهای چپ دانشجویی بر خود لازم می دانیم که به نقد عمل سیاسی رفقای خود بپردازیم. مسلماً از نظر ما نقد متقابل جریانات همسو (از هر گرایش و طیفی) به منظور کاهش اشتباهات و اعتلای

جنبش چپ دانشجویی از اهمیت بیشتری برخوردار است همانطور که « انتقاد از خود » را در مرحله ی بالاتر اهمیت نسبت به نقد دیگران در دستور کار خود داریم.

در روز تجمع 30 مهر 86 ما شاهد حضور بدنه ی جوان طیفهای مختلف چپ دانشجویی در دانشگاه پلی تکنیک تهران بودیم و گرچه به درخواست دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک مهره های قوی و قدیمی تر جریان چپ دانشجویی از حضور در مراسم خودداری کردند اما شاهد حضور دانشجویان چپ دانشگاه های تهران ، علامه ، شریف و ... بودیم. متأسفانه نحوه عمل گروهی از این دانشجویان ما را بر آن می دارد که اینبار نقد خود را در فضای علنی نسبت به عمل سیاسی این گروه اعلام داریم.

از نظر ما « سوسیالیسم نظامی از ارزشها را ارائه می کند که تا کنون هرگز به طور کامل تحقق نیافته است، نه یک الگوی ساخته شده را که تا کنون در جانی از جهان به نمایش گذاشته شده باشد.» ارزشهایی که مستقیماً برای برپائی انسانی ترین نظام جهانی ممکن تبیین شده اند. در طول حیات طبقه ی حاکم بر ایران ما شاهد نقض گستره و سیستماتیک حقوق اولیه و بنیادین انسانی ای هستیم که در طول تکامل اجتماعی انسانها ارزشگذاری شده اند. بنابراین وظیفه ی هر مبارز سوسیالیستی است که همگام با مبارزه در راه براندازی نظام غیر انسانی سرمایه داری جهانی به مبارزه در راه براندازی ساختار استبداد ی حکومتی که تحت اعمال قدرت مستقیم آن به سر می برد نیز همت گمارد. در یک کلام حفظ و حراست از انسانیت انسانها _ در هر گوشه از جهان و با هر گرایش فکری _ وظیفه ی تخطی ناپذیر تمام سوسیالیستهای است که سوسیالیسم علمی را به عنوان ایدئولوژی خود برگزیده اند.

*تمام دانشجویان سوسیالیست باید پاسخ دهند چه اقداماتی برای دفاع از حریم دانشگاه _ به عنوان حداقل ها و عینی ترین وظیفه ی پیش روی هر فعال دانشجویی انجام داده اند؟

* تمام دانشجویان سوسیالیست ایران باید پاسخ دهند که چه اقدامی برای افشای « پرژه ی جعل نشریات دانشجویی » در دانشگاه پلی تکنیک به دست حاکمیت ، به منظور سرکوب بخشی از جنبش دانشجویی انجام داده اند؟

*تمام گروه های چپ که صاحب رسانه ای هستند باید پاسخ دهند آیا قصد دارند رفتاری مطابق با بنگاه های دروغ پراکنی لیبرال در پیش گیرند یا تصمیم دارند مطابق با اخلاقی سوسیالیستی در مقابل اخلاق بورژوازی قد علم کنند و به دفاع از حقایق بپردازند؟

* دانشجویان چپ دانشگاه تهران باید پاسخ دهند چرا و براساس چه تحلیلی در اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران به حضور احمدی نژاد در این دانشگاه در 16 مهرماه 86 شرکت نکردند؟ مگر سوسیالیستها نباید پرچمدار رادیکالترین مبارزات ضد ارتجاعی باشند ؟

متأسفانه ما در اوایل پرژه ی سازمانیافته ی نهادهای امنیتی برای سرکوب جنبش دانشجویی در پلی تکنیک شاهد سکوت و بی تفاوتی بعضی از طیفهای چپ دانشجویی نسبت به این مسئله بودیم. اگر نقد ما به دفتر تحکیم وحدت و انجمن اسلامی پلی تکنیک این است که چشم خود را جز برای دیدن منافع و سرنوشت اعضای خود باز نمی کند خود بهتر از هر کس می دانیم که نخواهیم توانست این مشی چندین ساله را در این مجموعه ی غیر دموکراتیک تغییر دهیم اما ما خود را موظف می دانیم در صورت بروز چنین رفتاری از سوی طیفی از دانشجویان چپ ، برخوردی به مراتب شدیدتر و پیگیرانه تر داشته باشیم. گروه های چپ دانشجویی به هیچ وجه حق ندارند همچون انجمنهای اسلامی و دفتر تحکیم وحدت از حمایت از دانشجویان دربندی که همسو با تفکراتشان نیستند ، خودداری کنند.

در 20 آذر ماه سال 85 ما شاهد حضور پرچم ارتجاع در دانشگاه پلی تکنیک تهران بودیم. رادیکالیسم پرداختن و در صورت لزوم کوبیدن بر ریشه هاست. چرا «چپ رادیکال» به عنوان تنها گروه دانشجویی منسجم چپ در آن دوران از شرکت در اعتراض دانشجویی در آن تاریخ خودداری کرد؟ شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر ارتجاع» شعار همیشگی دانشجویان «چپ رادیکال» در تمام اعتراضات دانشجویی ای بوده است که در آن شرکت کرده است پس چرا و به چه دلیل در اعتراض به تجسم عینی ارتجاع و دیکتاتوری شرکت نکردند؟ آیا هنگامی که دیدید دانشجویان شرکت کننده _ اعم از چپ و راست _ در این اعتراض دانشجویی بر اهمیت چه هزینه های سنگین و باورنکردنی ای در این رابطه پرداختند ، بر خود ندیدید که به حمایت گسترده و پیگیر از این دانشجویان اقدام کنید؟

این سوالات بخشهایی از نقد ما به سایر گروه های چپ دانشجویی است که ما در رای گیری کلی اعضا ، تصمیم گرفته ایم به صورت علنی انعکاس یابد و ترجیح می دهیم قسمتهای دیگری از نقد خود را به صورت رو در رو با رفقا در میان بگذاریم.

در این بیانیه با باز شدن این بحث مایل هستیم به عملکرد گروه های غیر دانشجویی در رابطه با اعتراض 30 مهرماه 86 نیز بپردازیم.

با تشدید جنون آمیز موج سرکوب دانشجویان پلی تکنیک و حساس شدن محافل بین المللی بر روی این مسئله ما شاهد آن هستیم که تمام گروههای سیاسی _ اعم از چپ و راست _ تمام تلاش خود را برای چسباندن این اعتراضات دانشجویی به گروههای مطبوع خود می کنند. رقابتی جنون آمیز میان کانالهای ماهواره ای ، رادیوها و سایتهای گروه های سیاسی خارج نشین برای پخش یکطرفه و دور از حقیقت وقایع و حقایق در گرفته است. دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک _ به عنوان بخشی از بدنه ی دانشجویی حاضر در این اعتراض دانشجویی _ این « اخبار» و « پوشش هدفدار خبری» را اقداماتی "فرصت طلبانه" و "خلاف شیوه عمل سوسیالیستی" ارزیابی کرده و مرزبندی قاطع و قطعی خود را با همه گروهها و جریانات فرصت طلب _ چه چپ و چه راست _ اعلام می دارد. اگر قرار باشد رسانه های گروه های چپ نیز همانند رسانه های راست _ از صدای آمریکا گرفته تا روزنامه ی کیهان _ حقایق را قربانی مصالح کنند ، ما در کلام و عمل سیاسی تفاوتی میان دو گروه قائل نخواهیم شد.

جریان دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک نه یک جریان خلق الساعه است و زائیده ی جریانی دیگر در دانشگاه پلی تکنیک. دانشجویان سوسیالیست چه قبل از قیام 57 و چه بعد از قیام 57 در دانشگاه پلی تکنیک حضور داشته اند و ما مفتخریم که بعد از بیش از یک دهه سرکوب گسترده و سازماندهی شده ی چپ توسط حاکمیت ایران ، در مرحله ی جدید فعالیت چپ در دانشگاه اولین گروهی هستیم که گام بلند و محکم « سازماندهی» چپ دانشجویی در پلی تکنیک را برداشته ایم. افق ما چیزی فراتر سازماندهی صرف دانشجویان مبارز در دانشگاه پلی تکنیک است. هدف اصلی ما پیرامون یک اتحاد سوسیالیستی در سرتاسر دانشگاه های ایران است و تمهیدات لازم برای شروع علمی و قدرتمندانه ی این پروژه را فراهم کرده ایم. علی رغم آنکه خود را در مرحله ای از بلوغ سیاسی می بنیم که از ورود در ائتلافها ی تأمین کننده ی نظرات خود ابائی نداریم اما تا رسیدن به اهداف میان مدت خود طرحی برای پیوستن به گروه ها و جریانات سالم _ چه برسد به ناسالم _ قویتر نداریم. دروهای رفیقانه ی خود را به تمام افراد و گروه ها دانشجویی و غیر دانشجویی که به هر طریقی از ما حمایت کردند ، تقدیم می کنیم و صادقانه از همه ی آنها تقاضا داریم دغدغه ها و خطوط قرمز ما را درک کرده و بدانها احترام گذارند.

به زودی با آزاد شدن دانشجویان دربند رژیم تمام افراد و گروه هایی که ضعفها ، اشتباهات ، احراقات و اقتدارگرانی خود را پشت اعتبار این دانشجویان و همدردی انسان دوستانه ی افکار عمومی نسبت به سرنوشت این عزیزان پنهان کرده اند رسوا خواهند شد. در آن زمان احتمالاً دیگر خبری از نفرین این و آن آفرین آن نخواهد بود و ما خوب می دانیم که

فضای واقعی و اصلی فعالیت ، آن زمان است و از چرخش توجهات عمومی نسبت به این دانشگاه در آینده متعجب نخواهیم شد زیرا که خود را جریانی محدود به یک دانشگاه و شرایط خاص نمی دانیم.

در پایان اعلام می داریم تنها صحت اخبار و اطلاعاتی درباره ی ما و از دید ما مورد تایید است که از وبلاگ و پست الکترونیک رسمی دانشجویان سوسیالیست که در ذیل این بیانیه خواهد آمد ، منتشر گردد.

زنده باد آزادی و برابری

دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک تهران

<http://socialist-students.blogspot.com>

socialiststudent